

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

حوادث اخیری که با پامال شدن حقوق انسانی، کشتار و بمباردمان های قوای امریکا و ناتو بر مردم بی دفاع و مظلوم افغانستان، هر روز فاجعه جدید و مرگباری به وجود می آورد، سبب می گردد که باز هم به نشر مضامینی بپردازیم که حقایق شوم درگیری ملت افغان را با مظلالم غیر انسانی بیان مینماید. این مضمون که به مناسبت روز اعلامیه حقوق بشر در قید قلم در آمده بود، میتواند باز هم بیان گر پامال شدن این ودیعه حیاتی بشمار انسانانی باشد که در محدوده جغرافیایی سرزمین مابه سر میبرند و تحت نام ملت پر افتخار «افغان» به مقابل قانون، دارای حقوق و وجایب مساوی هستند.

ملالی موسی نظام

اعلامیه حقوق بشر

نگاهی به نقض پرنسپ های حقوق بشر در سی سال اخیر

سال دیگری به عمر حقوق بشر در دنیا افزوده گردید. افغانستان از سال ۱۹۴۸ میلادی از جمله اولین ممالکی بشمار میرود که با شمولیت در موسسه ملل متحد بحیث بزرگترین تشکیل حقوقی دنیا، از اعلامیه حقوق بشر استقبال نموده و آنرا پذیرا گشت.

در بیانیه که آقای کرزی رئیس جمهور در سالگروه استقبال از حقوق بشر ایراد نمود، از نقض حقوق بشر در مملکت به صورت وسیع و خاصاً از جانب قدرتمندان که در حکومت و پارلمان پراکنده میباشند یاد آور گردید. گرچه بعد از اضافه تر از شش سال موجودیت قوای صلح و بازسازی در مملکت، عجز رئیس دولت در زمینه امحای ظلم و نقض پرنسپ های حقوقی مردم ما موجب نومیدی و عدم اعتماد را بار می آورد، ولی اقلاً این اقرار تلخ زمینه را برای تلاش های پیگیر در راه تا مین عدالت اجتماعی و دست اندر کار شدن جدی در راه تعقیب ناقضین حقوق بشر، «شاید» در آینده فراهم نماید.

حکومت کرزی وقتاً فوقتاً افراد و گروه های ناقض حقوق بشر را تحت فشار قرار میدهد تا از زیاده روی های آنان تا حدی جلو گیری نمود باشد، مخصوصاً بعد از تشکیل «جبهه ملی» یعنی اتحاد «اخوانی - کمونیست» که از بقایای رژیم های سال های ۱۹۷۸-۱۹۹۶ شکل گرفته است، رئیس حکومت را وادار به این نمود که از موجودیت آنان و خطراتی که در نقض حقوق بشر در افغانستان وارد میسازند با رولی که در بر انداختن فساد اداری و کار شکنی دارند، اقرار نماید.

از جانب دیگر، دیدار کمیسر حقوق بشر خانم «لویز آربور» که در ماه نوامبر از افغانستان دیدن نمود، کرزی را متوجه راپور های دائمی نقض حقوق بشر در افغانستان نموده، منجمله وضع محابس را، مخصوصاً زندان های زنان را رقتبار خوانده و اقدامات عاجل حکومت را در حمایت از حقوق انسانی جداً تقاضا نمود. نامبرده درین مذاکرات به راپور های کمیته عفو بین المللی و کمیسیون نظارت بر حقوق بشر در زمینه اتکا نمود.

درین شصت سال قوانین اساسی افغانستان و حکومتات مختلفه آن، به شمولیت به ملل متحد و قبولی اساسات آن ظاهراً وفادار مانده اند. درینکه جنگ ها ویرانی های بنیادی مملکت مفهوم حقوق بشر و مراعات پرنسپ های قیمت دار و

انسانی آنرا از بین برده است، کاری نمیتوان نمود، ولی پامال این حقوق حقۀ انسانی در دوره های مختلفۀ اشغال افغانستان، جنگ های جانکاه داخلی که صرف برای تعمیم قدرت صورت گرفت و کشتار اهالی بیگناه پایتخت را بار آورد و دوران سیاه طالبان عصر حجر به اشکال و نمونه هایی صورت گرفت که تاریخ مثل آنرا بیاد ندارد، مخصوصا در قسمت زن و طفل افغانکه حقوق انسانی شان به شدت پامال میگردد.

در دوران خونبار اشغال افغانستان به کمک گروهای خائن خلق و پرچم، در پهلوی شهادت يك و نیم ملیون هم وطنان بیگناه ما ملیون های دیگر کاشانه و عزیز از دست داده، راهی سرزمینان همسایگان غدار و طماع گردیدند. حوادثی که درین سر زمین ها بر هم وطنان مظلوم ما وارد آمد، اوراق راپور های موسسات حقوق بشر را رنگین نموده است... آنچه بر ملت مهاجر افغان در کمپ های پاکستان گذشت، زبان از گفتن آن قاصر است.... و آنچه بر زن و طفل افغان واقع گردید، روی تاریخ سیاه شد.... زن و دختر افغان به عنف در بازار های ممالک اسلامی بفروش رسیدند.... از هجوم مار و گژدم در کمپ ها تا بی آبی و گرسنگی و مرض همه و همه فجایی را قلم زد که عالم بشریت از بیان آن ناتوان میباشد.

در ایران به نحو دیگری مهاجرین افغانی مورد ظلم و بیداد اولیای امور جمهوری مستبد آخوند های ایرانی قرار گرفتند، از آن جمله داستان های مظلومی که بر کارگر افغان و طفل و شاگرد معارف افغان واقع گردید، درج صد ها کتب و رساله گردیده است، آنچه را این از خدا بیخبران بر ملت مهاجر افغان وارد نمودند، از چشم مؤسسات حقوق بشر پنهان نمانده است.

در مورد حوادثی بر ملت بی پناه افغان در جریان سال های اشغال افغانستان گذشت، میتوان سال ها و ده ها نوشت و باز هم نوشت و اشک ریخت. اعضای حزب دیموکراتیک خلق که عبارت از همین بقایای وطن فروشان خلق و پرچم باشد، که در ممالک غربی مذ بوحانه پناه برده اند و به کمک روسیه نو بپا خاسته باز هم به فعالیت های تخریبی آغاز نموده اند، متأسفانه در اثر سیاست غلط امریکا، اینها باز هم جا گزین پارلمان و کار های مهم دولتی گشته اند و ضعف حکومت کابل برای این گروه خائن که مجال فعالیت زیادی را میسر ساخته است، از انجمله برای شستشوی مغزی و احراز قدرت، حتی مرده های وطن فروشانی مانند برادر ببرک کارمل، محمود بریالی را به خاک پاک وطن تحمیل نموده و در مراسم دفن آن خائن معلوم الحال، یونس قانونی، با جسارت بخاطر بستگی حزب پرچم به گروه شورای نظار، ازو قدر دانی نموده وی را «قهرمان» خطاب مینماید.

از لحاظ ارزیابی موسسات حقوقی بین المللی، شکستن و نقض پرنسپپ های حقوق بشر از طرف حکومت وقت، گروه ناقضان معلوم الحالی که عاملین کودتای منحوس ثور هستند، همه و همه جنایتکاران جنگی و در خور محکمه و مجازات شمرده میشوند.

بعد از سقوط داکتر نجیب الله، آخرین بازمانده حکومت دست نشانده مسکو، گروه های تنظیم های جهادی افغانستان به کابل هجوم آوردند. اینان علی الرغم وعده های فریبده، دیدار ویرانی و خسارات هنگفتی که بر مملکت و مردم وارد گردیده بود، در صدد احراز قدرت برای خود ها گردیدند.

گروه های تنظیمی هر کدام به نوبۀ خود در مدت چهار سال که میتوانستند افغانستان را از حالت جنگ زدگی و ملت را از آوارگی و بدبختی به صلح و امنیت و باز سازی که حق مسلم شان شمرده میشد، رهنمایی نمایند، ولی صد افسوس که شهوت قدرت و سرمایه و وابستگی های این گروه ها به همسایگان غدار احساس وطن پرستی و مردم دوستی را کاملاً از آنان بدور ساخت.

آنچه را در چهار سال رهبران تنظیم ها و دسته های مربوطۀ آنان بر مردم بی دفاع کابل وارد نمودند، زبان از گفتن آن قاصر میباشد. ملت افغان، موسسات حقوق بشر و تاریخ با سوگواری و تأسف، تا دنیا دنیاست، از آن روزگاران سیاه ملی یاد خواهد نمود. از مظلالم بیشمار ی که این گروه ها بر ضد همدیگر بر مردم بی پناه پایتخت افغانستان وارد نمودند، بحیث نمونه میتوان از «قتل عام افشار»، فاجعۀ پوهنتون کابل، هجوم بر بامیان و صد های دیگر را که کرامت انسانی با فجایع غیر قابل باور آنها در سرزمین مایپامال گردید، نام برد.

اوراق راپور های موسسات حقوق بشر از جنایات بشری که مانند آنان دیده و شنیده نشده بود، سیاه بوده و صد ها کتاب و رساله از زبان شاهدان عینی این دورۀ جنایت و مظلالم انسانی، در دسترس قرار دارد.

شاید قسم فیهیم که ادعا دارد باید قدرت باز هم بیشتر ازین به دست او و گروه های مانند وی سپرده شود، روزگاران آن چهار سال خونباران را نجات ملت مینامد.

موسسات حقوق بشر همه ساله در پهلوی است ناقضان حقوق بشر در افغانستان، لستی را هم از رهبران گنهکار چهار سال اشغال و ویرانی کابل و کشتار ۶۵ هزار مردم بیگناه آن به نشر میسپارد.

گروه طالبان که به همکاری پاکستان، ایالات متحده و عربستان تربیت شدند و برای سرکوبی و دفع تنظیم های ویرانگر جهادی به داخل سرحدات افغانستان در حال متلاشی شدن، فرستاده شدند، به موفقیت زیادی در امحای قدرتمندانی که

کابل را سرک به سرک تقسیم نموده بودند، نائل گردیدند. ربانی رئیس جمهور وقت از آنان به حیث يك جریان « خود جوش » یاد نموده و استقبال نمود.

طالبان که در مدت کمی همه رهبران تنظیمی را تار و مار نموده و پا برهنه و با چپک در حالیکه قبلاً دارایی های ملی بانک ها را تاراج نمودند، مجبور به فرار نمودند، زمام مملکت ویران را بدست گرفتند و از جانب مردم مظلوم برای باز آوردن امنیت و صلح استقبال گردیدند.

افسوس که از بخت بد مردم افغانستان، این گروه هم با بستگی به پاکستان، دعوت بن لادن و تروریستان خارجی به افغانستان و پامال پرنسپ های حقوق بشر، علی الخصوص در قسمت سختگیری بر زن و دختر افغان، اعمال غیر انسانی، قتل و مجازات مردم مظلوم ما مبادرت ورزیدند. گرچه جامعه را از عناصر ناپاک، ظالم و گروه های متجاوز تنظیم های جهادی پاک نموده و همه را وادار به فرار ساختند، ولی با قید زنان و دختران، بستن مکاتب، پوهنتون ها و دفاتر بر روی آنان، روزگار سیاه دیگری را رقم زدند، چنانچه فقر و تاریکی در اجتماع چیره گشت و زد و خورد های طالبان با مقاومت گران، منجر به قتل قتال طرفین گردید. در های مملکت بروی جهان آزاد بسته گردید و افغانستان به لانه تروریستان مبدل گشته و از پرنسپ های حقوق بشر کاملاً رو گردانیده شد.

بعد از حمله سپتمبر ۱۱ و گشایش در های بسته افغانستان، با سرازیر شدن خارجیان و بلیون ها دالر برای صلح و باز سازی، امید ملت جنگ دیده افغان یکبار دیگر به تائمین صلح و امنیت و تشکیل يك بنیاد اقتصادی محکم و اجرای عدالت اجتماعی، به حکومت جدید و نظام نو منوط گردید، ولی همان طور که میبینیم افغانستان باز هم به طرف انحطاط و انا رشیزم جنگ های طالبی، نفوذ مافیای بین المللی، فقر، نفوذ قدرتمندان قبلی و مهاجرت های دوباره اجباری در اثر بی امنیتی، از دست دادن کاشانه و فقر و بیکاری، روان میباشد.

شدت حملات نظامی امریکا و عساکر ناتو، مصیبت غیر بشری و غیر قابل انکاری است که بر مقدرات مردم بیگناه ما حاکم گشته و در اثر ضعف و عدم بازخواست حکومت موجوده، با شدت روز افزون، کشتار مظلومین فاجعه بزرگی را دامنگیر مردم بی دفاع و مظلوم ما نموده است

نتیجتاً دیده میشود که در مملکت جنگ زده ویران ما که از لحاظ حقوقی عضو ملل متحد بوده و ظاهراً مخالفتی در قبال اساسات ارزشمند آن از جانب اولیای امور نشان داده نمیشود، در عمل در سرتاسر مملکت حقوق انسانی به شمول حقوق خانواده ها و زن و طفل مظلوم افغان با مظالم جنگ سالاران، جنایتکاران جنگی و قدرتمندان، پامال جفای دائمی میگردد.